

در داستان غرق شویم

در بسته خبری بخوانید
به ساعت‌ها نگاه کنید، تا ۱۰ دقیقه دیگر، یک کودک یمنی جان می‌دهد

زندگی زیر خمپاره و بمب



با الهام از فرارهای چهارم و پنجم دعای ۳۴ صحنه سیما به قرار ساعت هفتاد

الهی، سال‌هاست در ایستگاه متروک دلم به انتظار ایستادم سفر پرالتهای را، سگری تا غنچه کوچکیهای گل محمدی، تا خانههای متبرک به گاوهای روشن پیوسته به دریا... الهی، دستهای مرا بگیر و برسان به شاخه‌هایی که ماه بر آن متوقف می‌کند و درختانی که از سلام تو سیراب می‌شوند... بالبالا، سگری می‌خواهم از دلم تا زانم... سگری که در تنی آغاز می‌شود و با نفسی به نام تو ختم می‌شود...

جنگال در کنار درویش

بررسی بهترین بازی‌های چند نفره موجود در بازار

دیابلو ۲ از دیابلو Torchlight 2

پلتفرم (فضای اجرای بازی): کامپیوترهای شخصی

بازی اکشن-نقش‌آفرینی «تورچ لایت ۲» (Torchlight 2) که توسط استودیو رونیک (Runic) ساخته شده، حال و هوایی همانند بازی «دیابلو» (Diablo) دارد. دوربین آن ایزومتریک است و تمرکز زیادی بر استفاده از تسلیحات کلاسیک و جادو دارد. شاید بیراه نباشد اگر بگوییم «تورچ لایت» حتی از خود «دیابلو» هم دیابلوتر است. گشت و گذار در سیاهچال‌های موجود در بازی بسیار لذت‌بخش و چالش‌برانگیز است. اگر در کنار دوستان به انجام این بازی بپردازید، درجه سختی بازی به‌جای اینکه عذاب‌آور باشد، بیشتر موجب جذابیت آن می‌شود. برخلاف دیابلو که در آن بیش از چهار نفر نمی‌توانند به‌صورت چند نفره به بازی بپردازند، در «تورچ لایت» تا شش گیم می‌توانند در کنار هم به بازی و نابود کردن موجودات اهریمنی بپردازند. شاید بگویید شش نفر عدد زیادی است و ممکن است به همه اعضای تیم به‌صورت عادلانه طلا و اسلحه نرسد. باید بگوییم در بازی‌ای که طلا مانند فواره از بدن منفجر شده هیولاها بیرون می‌ریزد، تعداد زیاد بازیکنان چندان ایجاد مشکل نمی‌کند.

کسری کریمی طار | دستیابی به یک تفنگ قدرتمند و سهمگین در یک بازی شوتر که با استفاده از آن بتوان دشمنان را در کسری از ثانیه نابود کرد، تجربه‌ای دانش‌پسند است. ولی می‌دانید از آن بهتر چیست؟ وجود یک دوست که او هم در کنار شما با این تفنگ سهمگین به جان دشمنان بیفتد. جذابیت بازی‌های چند نفره و گواپ، بر هیچ گیم‌ری پوشیده نیست. چه در کنار دوستان و با استفاده از سیستم و چه با استفاده از شبکه اینترنت و بازی با گیم‌ها در گوشه و کنار جهان. بازی چند نفره یکی از بهترین تجربه‌های گیمینگ است. با این حال صرف اینکه یک‌بازی دارای بخش چند نفره باشد، نمی‌توان آن را دلیل بر جذابیت و عالی بودن آن دانست. چه بسیار بازی‌هایی که برای خالی نبودن عریضه و جذب مخاطب، بدون هیچ دلیل خاصی بخش چند نفره را به بازی خود می‌افزایند. بر همین اساس اکنون بر آن شدیم که به معرفی بازی‌هایی بپردازیم که ورود به بخش چند نفره آن‌ها به‌همراه دوستان مساوی است با عدم توانایی در خاموش کردن دستگاه؛ عدم توانایی‌ای که گاهی به بیرون پرت شدن کنسول و کامپیوتر از پنجره خانه توسط بزرگان خانواده ختم شده است!

Total War: Warhammer

تلفیق شمشیر و جادو

پلتفرم (فضای اجرای بازی): کامپیوترهای شخصی

بسیاری از افراد تصور می‌کنند بازی‌های چند نفره تنها در عناوین شوتر و ورزشی خلاصه می‌شوند، اما این‌طور نیست و بخش چند نفره برخی از بازی‌های استراتژی از چنان عمق و جذابیتی برخوردارند که بسیاری از بازی‌های اکشن در مقابل آن‌ها فرصتی برای عرض‌انداز نخواهند داشت. قسمت آخر سری «توتال وار» (Total war) یکی از همین دست بازی‌هاست. این اولین‌بار است که این‌سری مسیر تاریخ و نبردهای کشورهای بزرگی همچون روم، ژاپن، فرانسه و انگلیس را به گوشه‌های نهاده و ترجیح داده داستانی فانتزی را انتخاب کند. استودیو کریتیو اسمبلی (Creative Assembly) با ساخت «توتال وار: روم ۲» نشان داد که استاد تلفیق دو سبک استراتژی هم‌زمان و نویتی است. حال با این بازی و استفاده از المان‌های فانتزی و نقش‌آفرینی سری «وارهمر» (Warhammer) این استودیو به زیبایی هرچه تمام‌تر موفق در به‌تصویر کشیدن نبرد انسان‌ها با نژاد اورک‌ها، دورف‌ها و خون‌آشام‌ها شده است. گیم‌ها در این بازی علاوه بر بخش مبارزات چند نفره، بخش داستانی را نیز می‌توانند به‌همراه دوستان خود انجام داده و یک‌بار برای همیشه اورک‌ها و دشمنان نژاد انسان را سر جای خود بنشانند.

جنگال در کنار درویش

بررسی بهترین بازی‌های چند نفره موجود در بازار

Portal 2

دروازه‌ای به سوی لذت

پلتفرم (فضای اجرای بازی): پلی‌استیشن ۳، ایکس باکس ۳۶۰، کامپیوترهای شخصی

هیچ‌کس نمی‌تواند در کیفیت «پورتال ۲» شکی به دل خود راه دهد، با این حال انتخاب آن به‌عنوان بهترین بازی چند نفره ممکن است باعث تعجب برخی از گیم‌رها شود. برخلاف قسمت اول که شخصیت اصلی آن یک انسان بود که باید با استفاده از ساخت دروازه‌های مختلف، از آزمایشگاه فرار می‌کرد، در قسمت دوم با دو رویات دوست‌داشتنی به نام اطلس (Atlas) و پی-بادی (P-Body) آشنا می‌شویم. این دو رویات باید به‌گشت و گذار در مناطقی از آزمایشگاه بپردازند که برای نمونه‌های انسانی بسیار خطرناک است. حل معماهای مختلف بازی با استفاده از ایجاد پورتال، بسیار جذاب و چالش‌برانگیز است، با این حال چیزی که به جذابیت آن می‌افزاید، حضور یک دوست در کنار شماست تا در حل معماها به کمکتان بیاید. تجربه چند نفره پورتال ۲ به تمامی افرادی که این بازی را انجام داده‌اند یا هنوز به آن دست نزنده‌اند، توصیه می‌شود. علاوه بر همکاری با یکدیگر برای حل معماها و کشف اسرار این مرکز تحقیقاتی، می‌توانید به بازی و شوخی با یکدیگر در این محیط بپردازید. بیشتر از سه‌سال از عرضه این عنوان می‌گذرد و بافتن دو بازیکن که هیچ‌کدام با بازی و معماهای آن آشنا نباشند چندان ساده نیست، با این حال به برکت تیم‌بی‌ظنیر طراحی نقشه در استودیو ولو (Valve)، هراز چندگاهی نقشه‌های جدید در دسترس گیم‌رها قرار می‌گیرد؛ گیم‌هایی که برای تجربه معماهای جدید در دنیای پورتال لحظه‌شماری می‌کنند.

هشت خوان ۲

پلتفرم (فضای اجرای بازی): اندروید
سازنده: استودیو آوید

«هشت‌خوان»، اولین بازی کارتی ایرانی است که شما در آن با یک رقیب آنلاین مبارزه می‌کنید. در این بازی شما به‌همراه شخصیت‌های اساطیری ایرانی به نبرد با حریفان خواهید پرداخت و در گذر از «هشت‌خوان» با پهلوانان نامی ایران همراه خواهید شد. در این بازی بیش از ۲۵۰ شخصیت و کارت منحصر به فرد با ویژگی‌های جذاب در اختیار شماست تا بتوانید استراتژی‌های متنوعی را در بازی پیاده کنید. آرش به‌دستور شما در هر نوبت تمام لشکرهای دشمن را تیرباران می‌کند. از فرمان شما سرزمین دشمن را به آتش می‌کشند و شخصیت‌های دیگر هم همگی به فرمان شما هستند.

غیر قابل تصور (قسمت دوم)

پلتفرم (فضای اجرای بازی): اندروید
سازنده: Devlog

این بازی داستان نویسنده‌ای است که به‌دلیل اتفاق‌های گذشته، عذاب‌وجدان دارد و فشار کاری شغلیش باعث شده تا به بیماری روان‌پریشی دچار شود. کوروش کابوس‌های وحشتناکی می‌بیند که ترکیبی از فضای داستان‌های نوشته‌شده و شخصیت‌های زندگی‌اش در گذشته است. کوروش به‌دنبال این است که روان‌پریشی خود را درمان کند و از سرزنش شخصیت‌های گذشته که معتقدند کوروش به آن‌ها خیانت کرده، خلاص شود. البته تمام این‌ها به تصمیم‌گیری‌های شما بستگی دارد که سرنوشت کوروش را رقم می‌زند.

بازلک

سازنده: توسعه نرم‌افزار پردیس
پلتفرم (فضای اجرای بازی): اندروید

«بازلک» یک بازی کاملاً ایرانی است که در آن می‌توانید هم از بازی سرگرم‌کننده لذت برده و هم دانستن‌های فراوانی را یاد بگیرید؛ دانستن‌هایی مثل مکان‌های مختلف تاریخی، فرهنگی و گردشگری در تمام نقاط ایران. می‌توانید با این امکان ایرانی آشنا شوید و از محیط سرگرم‌کننده، آموزنده و کاملاً ایرانی آن در طول بازی لذت ببرید. این بازی با هدف ترویج فرهنگ غنی ما ایرانیان و آشنایی بیشتر با زبان شیرین فارسی و برای شناخت مناطق سرزمینمان ساخته شده است. سازندگان سعی کرده‌اند رابط کاربری بازی به فرهنگ ایرانی وفادار باشد.



هر چیزی یک ظرفیتی دارد

نمی‌دانم نمره فیزیکتان چند است؟ اگر ۱۵ هم بگیرد، معنی ظرفیت و گنجایش و تراکم را می‌فهمید و می‌دانید که هر چیزی توی دنیا ظرفیتی دارد. مثلاً ظرفیت یک لیوان مشخص است و بیشتر از ظرفیتش نمی‌توان داخلش آب ریخت. اما پیش آمده که بشر دویا گاه از چیزهای اطرافش بیشتر از ظرفیتشان توقع داشته است. مثلاً همه می‌دانیم که ظرفیت یک ماشین سواری چهار نفر است، اما موقع سیزده بدر که می‌شود، همه ما از یک پیکان توقع داریم تا چهارده نفر را هم جا بدهد. در این جور مواقع می‌گویند که تراکم سرنشین توی ماشین بالا است. کلاس‌های درس هم از این قاعده بیرون نیستند و مثل لیوان آب و ماشین یک ظرفیت مشخصی دارند که به‌خاطر حفظ کیفیت آموزش باید به آن احترام گذاشت. این ظرفیت محترم در مورد کلاس‌های درس با فضای استاندارد بین ۱۸ تا ۲۰ نفر است، اما همه می‌دانیم که در بیشتر مدارس دولتی و در مواردی هم مدارس غیردولتی این استاندارد رعایت نمی‌شود و معمولاً کلاس‌های درس با تراکم بالای دانش‌آموز درگیر هستند.

میانگینی که دلخوش‌کنک است

هر چند تازگی‌ها وزیر آموزش و پرورش صادقانه اعتراف کرده است که استاندارد کلاس‌های درس بین ۲۰ تا ۲۵ نفر است، منتهی کلاس‌های درس در کشور با ۳۰ تا ۴۰ دانش‌آموز تشکیل می‌شوند. اما تا قبل از اعتراف ایشان، تقریباً همه از وضعیت برگزاری کلاس‌های درس و تعداد دانش‌آموزان راضی بودند و هیچ‌کس مشکلی را احساس نمی‌کرد، چون براساس آمار، میانگین دانش‌آموزان هر کلاس ۳۰ نفر بود که از نظر مسوولین خیلی هم رقم گل و بلبل بود و هروقت کسی بابت تراکم بالای کلاس‌ها به آن‌ها اعتراض می‌کرد، با بهانه‌های بنی اسرائیلی مانند اینکه مگه سی نفر زیاده؟! چرا فقط شهرهای بزرگ را می‌بینید؟ بروید روستاهایی را ببینید که کل مدرسه یک دانش‌آموز دارد! اصلاً به ما چه که همه می‌آیند تهران! مگه جا فقط است؟ بروید یک روستای دورافتاده درس بخوانید... سر توه قضیه را جمع می‌کردند. طفلکی‌ها تقصیری هم نداشتند، چون میانگین می‌گفت که حال همه ما خوب است و کسی دوست نداشت توجه کند که این میانگین کشوری یا استانی، آمار به درد بخوری نیست. بنا به گفته خودشان درست است که توی بعضی از روستاها کلاس درس با یک دانش‌آموز برگزار می‌شود، اما در بیشتر مناطق کشور، کلاس‌های درس با ظرفیت بالای چهل نفر تشکیل می‌شود و این‌جوری است که به‌جای کلاس درس انگار سربازخانه راه انداخته‌ای.



معلم یا مبصر، مسأله این است!

شاید شما هم با بزرگ‌ترهایتان موافق باشید و بگویید حالا تراکم بالا هست که هست و برای ده تا ۱۵ تا دانش‌آموز کمتر و بیشتر، چوب لای چرخ تحصیلات بچه‌های مردم نگذار. کمی صمیمی می‌نشینیم و همه‌چیز حل می‌شود. اما واقعیت مسأله این است که حضور یک دانش‌آموز بیشتر از ظرفیت هم پیامدهای منفی زیادی دارد، چه برسد به ده، بیست تا دانش‌آموز بیشتر!

اولین مشکل این‌جور کلاس برگزار کردن این است که معلم بخت‌برگشته، به‌جای درس دادن و تمرکز روی کارش، بیشتر وقتش صرف ساکت کردن بچه‌ها می‌شود. تصورش را بکنید که بنده خدا بخواهد تکلیف بچه‌ها را چک کند، احتمالاً باید نصف وقت کلاس را بگذارد تا مشق‌های بچه‌ها را ببیند. خدا آن روز را نیاورد

وقتی زکریا رازی نوجوان بود

چطور از گیر دادن‌ها نجات پیدا کنیم؟

وقتی زکریا رازی نوجوان بود، یک‌روز صبح متوجه شد والدینش نام او را در مقطع متوسطه اول نوشته‌اند و او مجبور است از آن به بعد هفت‌روز هفته را در عوض وقت گذاشتن روی علم کیمیا به مدرسه برود. این اول ماجرا بود، چون آن‌ها فقط به این موضوع راضی نبودند و هروقتی هم زکریا از مدرسه برمی‌گشت، مدام بالای سرش بودند و درمورد تکالیفش می‌پرسیدند. این‌طوری شد که زکریا فهمید شرايطش خیلی وخیم‌تر از این حرف‌هاست.



به ساعت‌ها نگاه کنید، تا ۱۰ دقیقه دیگر پک‌گودک پمنی چان می‌دهند

زندگی زیر خمپاره و بمب

سازمان ملل متحد هشدار داد که جهان در آستانه یک بحران انسانی قرار گرفته است.

امیدی که از دست می‌رود

نمی‌دانم الان که این گزارش را می‌خوانید در چه وضعیتی هستید و انتظار چه چیزی را می‌کشید. شاید تا یک دقیقه دیگر دوستان به شما زنگ بزنند، یا تا پنج دقیقه دیگر پدرتان به خانه بیاید، شاید هم تا هشت دقیقه دیگر یک پیام تبریک یا یک لطیفه دریافت کنید، اما قطعاً منتظر شنیدن خبر مرگ یک کودک نیستید.

با این‌همه متأسفم که اعلام کنم از الان تا ده دقیقه دیگر، یک کودک در یمن جانش را از دست می‌دهد. بارها شنیده‌ایم که با تولد هر کودک، امید دوباره متولد می‌شود، اما هیچ‌وقت فکر نکرده‌ایم که مرگ هر کودک چه معنایی برای دنیای ما خواهد داشت. در بین ۴ کشور یمن، سومالی، سودان جنوبی و نیجریه، وضعیت یمن که بخش بیشتر زیرساخت‌های ضروری خود را در اثر تهاجم گسترده نظامیان سعودی از دست داده است، بحرانی‌تر است. در یمن، هر ۱۰ دقیقه، یک کودک جان خود را بابت ابتلا به بیماری‌های قابل پیشگیری از دست می‌دهد. این درحالی است که سوءتغذیه شدید، یقه نیم‌میلیون کودک یمنی را که در ویرانه‌های جنگی گرفتار شده‌اند، گرفته است.



فاجعه‌ای که رخ خواهد داد

آنچه امروز دنیا در حال تجربه آن است، تجربه تلخی است که در ۲۷ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. شاید فیلم‌های آخرالزمانی را دیده باشید که در آن دنیا به یک ویرانه تبدیل شده است و دیگر خبری از امید، روشنایی و لبخند نیست. خانه‌ها همه به ویرانه تبدیل شده‌اند و صدای خنده هیچ کودکی به گوش نمی‌رسد. در حال حاضر مردم کشورهایمانند یمن به‌شکل غیر قابل‌باوری روزگارشان شبیه آن فیلم‌ها شده است. سازمان ملل متحد با اعلام این وضعیت دشوار هشدار داد که دنیا در آستانه یک فاجعه انسانی قرار گرفته است و تا بیشتر از این دیر نشده، باید فکری به حال اوضاع دنیا و کودکانش کرد.

قحطی و گرسنگی بیداد می‌کند

جنگ همیشه بالای تلخی است که قربانیانش تنها سربازانی نیستند که در میدان جنگ جان خود را از دست می‌دهند. با این‌همه بالای تلخ‌تر از جنگ، درگیری‌هایی هستند که به شهرها و خانه‌ها کشیده می‌شوند. قربانیان این‌جور درگیری‌ها بیش از هر کسی، کودکان هستند؛ کودکانی که شب با خیال راحت در کنار مادرشان به خواب می‌روند، اما صبح با صدای خمپاره از خواب بیدار می‌شوند. شاید این قضایات بی‌رحمانه باشد، اما سرنوشت کسانی که با خمپاره‌ها از بین می‌روند و دیگر صبح روز بعد را نمی‌بینند، انگار بهتر از دوستانشان است که زنده مانده و محکوم به ادامه حیات در ویرانه‌ها هستند. همین حالا که ما روزهای خوش آخر سال را می‌گذرانیم، ۲۰ میلیون نفر در کشورهای یمن، سومالی، سودان جنوبی و نیجریه با خطر گرسنگی و قحطی روبه‌رو هستند. این کشورها سال‌هاست که هر کدام به‌شکلی درگیر جنگ و مصیبت‌های آن هستند. یونسف نیز پیشتر اعلام کرده بود که در سال (۲۰۱۷)، حدود یک‌میلیون و ۴۰۰ هزار کودک با خطر مرگ به‌خاطر گرسنگی روبه‌رو هستند. این یعنی اگر این ۴۰۰ هزار کودک و نوجوان از گلوله‌ها و خمپاره‌ها جان سالم به‌در ببرند، گرسنگی سلاح مرگبار دیگری است که در کمینشان نشسته است.

متهم اصلی نادیده گرفته می‌شود

طبق برآورد سازمان ملل، ۱۹ میلیون یمنی - دو سوم از مردم این کشور - نیازمند کمک‌های بشردوستانه هستند. سازمان ملل آمار تأسف‌بار دیگری را درباره کشورهای سودان و سومالی هم اعلام کرده است. به‌گفته این سازمان، برای کاهش این روند مبلغ ۴ میلیارد و ۴۰۰ هزار دلار موردنیاز است؛ رقمی که ۹۰ میلیون دلارش جمع‌آوری شده است. به همین دلیل این سازمان درخواست کرده، سرعت بیشتری به تلاش‌های انسان‌دوستانه داده شود. در این بین کسی به این نکته اشاره نمی‌کند که چرا سازمان‌های بین‌المللی تلاشی برای متوقف کردن متهم ردیف اول این جنگ‌ها انجام نمی‌دهند. به‌عنوان مثال این نهاد بین‌المللی نه‌تنها کاری برای متوقف کردن عربستان انجام نمی‌دهند، بلکه این کشور را از حامیان حقوق‌بشر هم معرفی می‌کند.

سیناپرس

عطری که شمارا می‌ترساند

معمولاً آژیرهای خطر، ما را از حوادث باخبر می‌کنند و به ما هشدار می‌دهند که ممکن است خطری ما را تهدید کند و باید مواظب باشیم. فکرش از این به‌بعد عطر به‌جای آژیر شما را از خطر آگاه کند. در خیرها آمده است یک شرکت تحقیقاتی به‌تازگی عطری ساخته که به افراد هشدار می‌دهد تا خود را در برابر تهدیدات آنلاین محافظت کنند.



اینم یک‌جور شه

لیسنا

آرایشگری خیرانه

جوان‌های باامرام یزدی توی این روزهای آخر سال دست به‌کار شده‌اند و با راه انداختن یک گروه به نام «مهر روستا» دست به ابتکارهای دوست‌داشتنی زده‌اند؛ مثلاً به روستاهای اطراف شهرشان رفته و مجانی سالمندان روستا را اصلاح کرده و برای سال نو، آن‌ها را شیک و مجلسی و ترگل و ورگل می‌کنند.



دست‌میزان

لیسنا

مینی‌بوس اردو خاکستر شد

بازهم یک خبر بد درباره سرویس مدارس داریم. مینی‌بوس سرویس دانش‌آموزان شهر هشتمندی دچار آتش‌سوزی شد. این مینی‌بوس که دانش‌آموزان این شهر را به اردو می‌برد، در راه آتش گرفت و چون هیچ مدل وسیله ایمنی نداشت، رسماً در آتش سوخت و خاکستر شد. البته شکر خدا دانش‌آموزان نجات پیدا کرده و همگی حالشان خوب است.



باس تاسف خورد

لیسنا

کلاه قرمزی حاشیه‌دار می‌شود

کلاه قرمزی و گروه دوستانش به‌اندازه سلبریتی‌های هالیوودی حاشیه و ماجرا دارند. همین چندروز پیش بود که خبرهای خوشی درباره حضور آن‌ها در برنامه‌های تلویزیونی شنیده بودیم، اما درست چندروز مانده به شروع سال نو، تهیه‌کننده این برنامه اعلام کرد که ساخت مجموعه کلاه قرمزی متوقف شده است. تهیه‌کننده عدم حمایت مالی تلویزیون از این مجموعه را دلیل تعطیلی این پروژه اعلام کرد.



کلامون رفت توی قوطی

پانا

بوی عیدی و اسکناس‌های ناخورده

یک‌خبر خوش برای علاقه‌مندان پروپا قرص اسکناس‌های نو عیدی داریم. با نزدیک‌شدن به روزهای پایانی سال، اسکناس‌های نو و ناخورده در کشور توزیع شدند. معطل چی هستید؟ بجنبید بابا و بابابزرگ‌ها را خبر کنید تا سری به بانک محل بزنند و اسکناس نو دریافت کنند.



عیدی ما یادت نمونه



دانش آموزان کیلویی کلاس‌های درهم

کلاس درسی را تصور کنید که دانش آموزان را کیلویی و درهم توی کلاس جا داده‌اند. نیمکت‌ها تا جلوی تخته و پشت در کلاس چیده شده است و چندتا بچه هم جا کم آورده و بین دست و پای هم کلاسی‌هایشان گم شده‌اند. بعضی‌ها در این شرایط خوش به حالشان شده و گوشه‌های کلاس بین هم‌شاگردی‌هایشان پناه گرفته‌اند و ماه به ماه با معلم چشم تو چشم هم نمی‌شوند، چه برسد که درس گوش بدهند یا توی بحث کلاسی شرکت کنند. تعدادی هم هستند که بیشتر ساعت از کمبود اکسیژن رنج می‌برند و تمام ساعت کلاس یا خمیازه می‌کشند و یا سرشان را روی نیمکت گذاشته و چرت می‌زنند. در این بین دانش آموزان نگویند بختی هم پیدا می‌شوند که واقعا دوست دارند درس بخوانند و همان‌طور که از سروکول هم‌کلاسی‌هایشان بالا می‌روند، دلشان می‌خواهد توی شلوغی و همه‌چهارشنبه بازار کلاشان، چیزی از درس دستگیرشان شود. اما همین اقلیت هم کم‌کم خسته شده و از نفس می‌افتند و به جمع هم‌کلاسی‌های وارفته‌شان می‌پیوندند و متوجه می‌شوند که مهم‌ترین چیز در این جور کلاس‌ها، درس نیست بلکه تداوم بقاست.



هر چند
تاریخ‌ها وزیر آموزش و
پرورش صافانه اقرار کرده است
که استانداردهای کلاس‌ها در سطح
۲۰ تا ۲۵ نفر است. منطبق کلاس‌ها
درس در کشور ۳۰ تا ۴۰ دانش‌آموز تشکیل
می‌شوند. اما تا قبل از اقرار ایشان، تقریباً همه
از وضعیت برقرار کلاس‌ها در سطح و تعداد
دانش‌آموزان راضی بودند و هیچ‌کس متعلق
را احساس نمی‌کرد.

حمله یگان مورچه‌ها در زنگ تفریح

موارد بالا تنها معضل تراکم بالای کلاس‌های درس نیستند. بیا بیاید ذهنمان را از کلاس‌های درس دور کنیم و به زنگ‌های تفریح فکر کنیم. تراکم دانش‌آموزی، کنترل مدرسه در زنگ‌های تفریح را برای معاونان و مدیران مشکل می‌کند. دانش‌آموزان کنسرو شده را مجسم کنید که با شنیدن صدای زنگ تفریح از روی نیمکت و در کلاس و معلم می‌گذرند تا خودشان را به حیاط مدرسه رسانند و کمی نفس بکشند. توی یک چشم به هم زدن حیاط خالی و سوت‌وکور مدرسه به یک کندوی زنبور یا لانه مورچه‌ها در زمان رژه تبدیل می‌شود. توی این شرایط نه تنها نمی‌شود این لشکر را کنترل کرد، که ناظم و مدیر هم ترجیح می‌دهند توی دفتر سنگر بگیرند و برای تمام شدن زمان زنگ تفریح ثانیه‌شماری کنند.

مأموریت غیرممکن دانش‌آموزی

می‌دانم با خواندن مطالب بالا افسرده شده‌ای و دلت کلی به حال خودت و هم سن و سال‌هایت سوخته است. من هم مثل تو فکر می‌کنم و می‌دانم که درس خواندن توی قوطی کبریت در حالی که گوش هم کلاسی‌مان توی دهانمان است و معلم حتی قیافه‌مان را به‌خاطر نمی‌آورد، غیرممکن است. شاید داری به انتقال کلاس به حیاط یا خراب کردن دیوارها و انتقالشان به پیاده‌رو و یا تصرف خانه همسایه دیوار به دیوار مدرسه فکر می‌کنی. شاید هم راه‌های متمدنانه‌تری مانند رساندن حرف‌هایتان به گوش مسئولین از طریق شوراها دانش‌آموزی را می‌سنجی. هر چه هست نگران این شرایط دشوار نباش، من و تو از پس مأموریت‌های غیرممکن زیادی برآمده‌ایم.



نگاهی به مشکل تشکیل کلاس‌های درس با تراکم بالا وقتی کلاس‌ها بی‌ظرفیت می‌شوند

فاطمه نیک | توی یک کلاس که به اندازه یک قوطی کبریت است، گیر کرده‌ای و نمی‌توانی نفس بکشی؟ معلم که حرف می‌زند صدا به صدا نمی‌رسد از بس که کلاس شلوغ است؟ وقتی می‌خواهی حرف‌های معلمت را یادداشت کنی، مداخلت می‌رود توی گوشه بغل دستی‌ات؟ متأسفانه! تو در یک کلاس درس با تراکم بالا گیر افتاده‌ای و راه فراری هم نداری!

تعداد کلاس
هم هستند که بیشتر ساعت
از کمبود اکسیژن رنج می‌برند و
تمام ساعت کلاس یا خمیازه می‌کشند
و یا سرشان را روی نیمکت گذاشته
چرت می‌زنند. در این بین دانش‌آموزان
نمی‌توانند بگویند که واقعا دوست
دارند درس بخوانند و همان‌طور که از سروکول
هم‌کلاسی‌هایشان بالا می‌روند، دلشان
می‌خواهد توی شلوغی و همه‌چهارشنبه
بازار کلاشان، چیزی از درس
دستگیرشان شود.

دن باشد! شک نکنید که معلم صیقلی را برای سؤال و جواب لازم نداند یک‌دور از همه کلاس درس تازه مورچه‌هایی هم بوده‌اند تمام شده و معلم فرصت از همه بچه‌های کلاس پرسد یا تکلیف‌های همه نگیرد. حالا دیگر بررسی ت یادگیری و ارزشیابی! این جور است که معلم در کلاس با تراکم بالا، بیشتر یک دست تا آموزگار! و محترمانه‌اش این که همان اول سال تحصیلی عطای این جور درس دادن را به لقایش ببخشد.



زنگ‌خبر

- یک خبر خوب**
مثل اینکه پول توجیبی آموزش و پرورش بیشتر شده است، چون رئیس مجلس شورای اسلامی گفته است: سه‌هزار میلیارد تومان در بودجه سال آینده به آموزش و پرورش اختصاص یافته است.
- یک خبر خوب‌تر**
ظاهراً ما دانش‌آموزان امسال درس خوان تر شده‌ایم؛ چون معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش خبر داده که میانگین نمره دانش‌آموزان کشور ۲/۵ نمره افزایش یافته است.
- یک خبر زیادی خوب**
فکر کنیم قرار است خیلی تحویل‌مان بگیرند و به نقل همه مجالس تبدیل شویم. چون وزیر آموزش و پرورش گفته است مسایل آموزش و پرورش باید گفت‌مان غالب کشور باشد و فکر کنیم این یعنی اینکه باید همه‌جا حرف ما باشد.
- یک خبر خوب‌تر از خوب**
سه‌شنبه صبح در برنامه صبحگاه مدرسه قرار است درباره حوادث چهارشنبه آخ‌سال و بدبختی‌هایش با حضور مأموران آتش‌نشانی به ما تذکر بدهند.

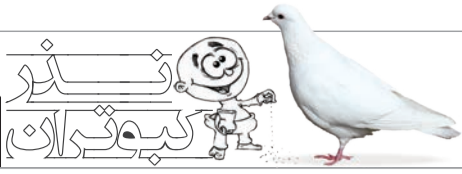
مگه تکلیف نداری؟؟

والدین زکریا در مورد تحصیل خیلی جدی بودند. ظاهراً آن‌ها دوست نداشتند توی تاریخ اسمشان بد در برود و تا چند قرن آیندگان پشت‌سرشان حرف بزنند. برای همین هر روز ظهر که زکریا از مدرسه به خانه برمی‌گشت، قبل از سلام و علیک درباره تکالیفش می‌پرسیدند و می‌گفتند: برنامه‌ات را ببینیم و بعد از چک کردن برنامه‌اش، تمام‌مدت به‌شکل محسوس و نامحسوس بالای سرش می‌ایستادند تا تکلیف‌هایش را انجام بدهد. برای همین زکریا به‌دنبال راه چاره افتاد تا اعتماد والدینش را جلب کند.

راهکار جلب اعتماد والدین

بهتر است خودت پیش قدم شوی و قبل از اینکه آن‌ها سؤال کنند، در جریان تکالیف و برنامه‌هایت قرارشان بدهی. سعی کن در مورد مدرسه بیشتر با آن‌ها حرف بزنی. آن‌ها از شنیدن ماجراهای تو در مدرسه خوشحال می‌شوند و هر چه بیشتر درباره تو بدانند، خاطرشان جمع تر می‌شود و به تو بیشتر اعتماد می‌کنند. اگر جراتش را داری، یک قرارداد با آن‌ها بنویس و در آن قرارداد متعهد شو که به‌تنهایی از پس کارهایت برمی‌آیی و با گرفتن نمره بهتر این موضوع را نشانشان بده. گاهی از آن‌ها خواهش کن به تو در انجام تکالیفت کمک کنند. این راز بین خودمان باشد، پدر و مادرها دوست دارند بچه‌هایشان از آن‌ها کمک بگیرند.

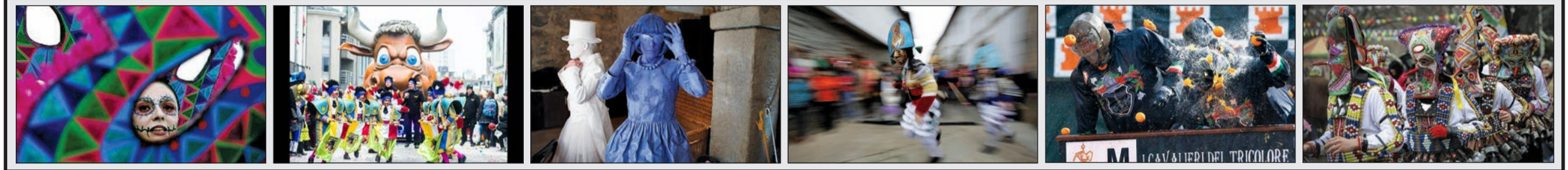




از اسفل سافلین رسیدم به بهشت
ضرب المثل حلقه مستان شده‌ام
ما را اگر مش داد زهر غصه نجات
بر معرفت و مرام سلطان صلوات

امروز اگر مقام و جای دارم
خاک قدم همچو شمایی دارم
گفتند که دیوانه شدم حرفی نیست
من نیز در این جهان خدایی دارم

کارناوال یکشنبه‌ها



قدار سلامت



الهی! سال‌هاست در ایستگاه متروک دم
به انتظار ایستاده‌ام سفر پروانه‌ها را...
سفری تا عطر کوچه‌باغ‌های گل‌محمدی، تا
خانه‌های متبرک به گام‌های روشن پیوسته
به دریا... الهی دست‌های مرا بگیر و
برسان به شاخه‌هایی که ماه بر آن شکوفه
می‌کند و درختانی که از سلام تو سیراب
می‌شوند... بارالها! سفری می‌خواهم از دم
تا زبانم... سفری که در تپش آغاز می‌شود
و با نفسی به نام تو ختم می‌شود...

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُ عَلٰی الْبَلْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ، وَ زِيَارَةِ
قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَیْهِ وَ رَحْمَتِكَ وَ
بَرَكَاتِكَ عَلَیْهِ وَ عَلٰی اٰلِهِ، وَ اَلِّ رَسُولِكَ عَلَیْهِمْ
السَّلَامُ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي فِي عَامِي هَذَا وَ فِي كُلِّ
عَامٍ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولًا مَشْكُورًا، مَذْكُورًا
لَدَيْكَ، مَذْكُورًا عِنْدَكَ.
وَ اَنْطَلِقْ بِخُدَيْكِ وَ شُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ حُسْنِ
الْتِقَاءِ عَلَیْكَ لِسَانِي، وَ اَشْرَحْ لِعَرَابِي دِينِكَ
قَلْبِي.

خدایا انعام فرمای بر من به حج و عمره و
زیارت مزار پیامبرت که صلوات و رحمت و
برکات تو بر او و بر آل او باد و زیارت قبول
آل پیغمبرت (جاودانه بر ایشان سلام باد)
مادامی که مرا باقی داری در این سال و
در هر سال دیگر و آن عبادات را پذیرفته
و پسنیدیده و منظور نظر و ذخیره نزد خود
قرار ده و زیان مرا به حمد و شکر و ذکر
و ثنای جمیل بر خودت گویا کن و دم را
برای پذیرفتن مقاصد دین خود منشرح و
گشاده ساز.

فرازمای چهارم و پنجم دعای ۲۳ صحیفه سجادیه
برداشت و الهام آزاد
از اسماعیل فیروزی

دادگاه هشتاییها

دوست نوجوان من! هدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به هدهد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم. پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir



آرزوی دانه
دانه زیر سنگ فکر کرد
زندگی همین سکوت سرد نیست
راه رد شدن از این حصار سنگ چیست؟
دانه زیر خاک
آرزوی سبز خویش را دوباره بافت
آرزوی او بزرگ شد
ریشه کرد
قلب سنگ سخت را شکافت

مآند آفتاب رها در دشت
مانند آفتاب رها در دشت
مانند دشت‌های رها در باد
چشم‌ت چه روزگار قشنگی را
در کوچه‌باغ خاطرهم جا داد

آرزوی دانه
دانه زیر سنگ فکر کرد
زندگی همین سکوت سرد نیست
راه رد شدن از این حصار سنگ چیست؟
دانه زیر خاک
آرزوی سبز خویش را دوباره بافت
آرزوی او بزرگ شد
ریشه کرد
قلب سنگ سخت را شکافت

مآند آفتاب رها در دشت
مانند آفتاب رها در دشت
مانند دشت‌های رها در باد
چشم‌ت چه روزگار قشنگی را
در کوچه‌باغ خاطرهم جا داد

باران...
می‌خواهم نامت را بردارم و برای گل‌ها بیرم
برای شعرهایی که تو را ندیده‌اند
برای مزرعه‌های خشک و غصه مریم که دختر یک کشاورز است
برای اندوه دیوار شکسته یک باغ که دیگر نمی‌تواند مواظب چیزی
باشد
می‌خواهم دلت را بردارم
آب‌ها را صدا کنم که بیایند و روشن تر باشند
می‌خواهم انگشت‌هایت را بردارم و برای زخم‌ها بیرم
برای ارزنها که پرنده‌ها را دوست داشته باشند
و خرده‌نان‌ها که ماهی‌ها را به کشتن ندهند
می‌خواهم دستت را بردارم
و دنیا را زیبا کنم

مهدی رضانی، مربی ادبی کانون پرورش فکری گناباد



دیروز تو گوگل زدم آگهی استخدام؛
واسم جوک آورده بالا
خوب بگو کار نیست
چرا آدمو مسخره می‌کنی!

یه کاپشن دارم، سوم راهنمایی بابام خرید و گفت سال بعد هم می‌پوشی. الان
نوه دارم، ولی هنوزم برام بزرگه.

خسیس‌خان
علم اونقدر پیشرفت کرده که حتی هفت‌سیاره مثل زمین پیدا کرده‌اند... ولی هنوز
دلیل بوق‌زدن راننده‌هایی که پشت چراغ قرمز منتظرند، در حاله‌ای از ابهامه.

پسر خوشمزه‌خان
یادمه وقتی توی جلسه خواستگاریم داشتم حرفای سرنوشت‌ساز می‌زدم،
داداش کوچیکم صدام زد گفت، بیا کلاه‌قرمزی شروع شد!

خوشمزه‌خان
بهترین صبحونه دنیا پیتزای توی یخچال موندسه.

خپل‌خان
آخرین باری که پول توی حساب بانکیم داشتم، هیتلر هنوز دژبان بود.

پسر تنبل‌خان
اگه قرار باشه بین یک‌میلیارد تومن و بهترین دوست‌تون یکی رو انتخاب
کنید، اول ماشین می‌خرید یا خونه؟

آقای همساده
فرقی نداره ساعت ۸ شب بخوابی یا ۳ نصفه‌شب. صبحش هر ساعتی بیدار شی، به
خودت می‌گی یه کم دیگه بخوابم. کل لذت خواب تو همون یه کم دیگه است.

تنبل‌خان

خوشمزه‌خان

هشتکو
جایی برای خندیدن، شاد بودن و
حرف‌های خوشمزه زدن است.

https://telegram.me/khosroanjom_majid

برداشت و الهام آزاد
از اسماعیل فیروزی